

ذره بین

سر نوشت مبهم
سر نشینان نفتکش حادثه دیده

شهروند | هنوز اطلاعاتی از سرنوشت سرنشینان نفتکش ایرانی در دست نیست. به همین دلیل یک هیأت از سوی سازمان بنادر و کشتیرانی به محل حادثه اعزام شدند تا از نزدیک عملیات تجسس را در بندر شانگهای رصد کنند. این در حالی است که احتمال می‌رود سرنشینان در موتورخانه نفتکش محبوس شده باشند.

هادی حق شناس معاون دریایی سازمان بنادر و دریانوردی درباره آخرین جزئیات حادثه نفتکش ایرانی گفت: «یک هیأت از سوی سازمان بنادر و کشتیرانی روز دوشنبه به محل حادثه اعزام شدند و الان از نزدیک عملیات تجسس را در بندر شانگهای رصد می‌کنند. به دلیل حجم زیاد آتش، عملیات اطفای حریق به کندی پیش می‌رود، اما شعله‌های آتش سوزی نسبت به روز قبل کمی کاهش یافته است.»

او با اشاره به پیدا شدن یک جسد در آب‌های اطراف محل حادثه، ادامه داد: «با توجه به بررسی‌های به عمل آمده جسد پیدا شده ایرانی است و از سرنوشت دیگر سرنشینان این نفتکش خبری در دست نداریم، زیرا با دلیل حجم زیاد آتش امکان نزدیک شدن به این شناور وجود ندارد.»

احتمال محبوس شدن خدمه نفتکش در موتورخانه

این در حالی است که «محسن بهرامی» سخنگوی کمیته اضطرار سانحه نفتکش «سانچی» نیز، گفت: «احتمال محبوس شدن خدمه در موتورخانه نفتکش وجود دارد که برای دسترسی به آنها باید آتش سریع تر خاموش شود. از زائنی‌ها برای کمک به نفتکش سانچی کمک خواستیم و قرار است آنها وارد عملیات شوند، چینی‌ها در این حادثه بسیار با احتیاط و دست به عصا حرکت می‌کنند. یک شرکت آمریکایی برای کمک به حادثه نفتکش ایرانی اعلام آمادگی کرده اما تجهیزات لازم را برای افسار اطفای حریق در منطقه نداشته است، بنابراین نمی‌توانسته به سرعت کمک کند.»

سخنگوی کمیته اضطرار سانحه نفتکش «سانچی» همچنین از دستور ویژه رئیس جمهوری به وزاری نفت و امور خارجه برای تسریع در پیگیری این مسأله خبر داد و گفت: «خاموش کردن آتش نفتکش «سانچی» به دلیل این‌که حامل میعانات گازی بوده، زمانبر است، زیرا میعانات گازی حتی از بنزین فراتر هستند.» وی به راهکارهای بررسی حادثه اشاره کرد و گفت: «کشتی‌ها دارای ۳ جعبه سیاه هستند که جزئیاتی مانند صحبت‌های اتاق فرماندهی و مسیر را ثبت می‌کنند. علت این حادثه بررسی شده و ابعاد آن مخفی نخواهد ماند، زیرا شرکت‌های بیمه‌گر بین‌المللی به دلیل مباحث مالی چند ۱۰ میلیون دلاری خود، جزئیات این مسأله را به طور کامل بررسی خواهند کرد، اما اکنون نمی‌توان علت حادثه را اعلام کرد. کشتی سانچی از مجهزترین نفتکش‌ها بود که توسط شرکت هیوندای کره جنوبی ساخته شده است.» وی با بیان این‌که حضور دانشجویان دریایی در نفتکش در دنیا مرسوم است، گفت: «این دانشجویان در حال آموزش بودند و تیم حاضر در این نفتکش افرادی متخصص بودند.»

سخنگوی کمیته اضطرار سانحه نفتکش «سانچی» درباره پوشش بیمه‌ای نفتکش گفت: «همه ۳۳ سرنشین نفتکش سانچی زیر پوشش بیمه بودند و مشکلی از این بابت وجود ندارد، ضمن آن‌که بدنه، مسائل زیست‌محیطی و موضوع به تیم جنایی اطلاع داده شد و بازرس پنجم دادسرای جنایی تهران دستور رسیدگی به این پرونده را به اداره دهم صادر کرد. در همان تحقیقات ابتدایی در صحنه جنایت هویت مقتول شناسایی شد. بررسی اسناد و مدارک خودرو مشخص کرد که مقتول به نام جواد ۳۶ ساله متأهل و دارای یک فرزند است. در ادامه تحقیقات میدانی تحقیقات پلیسی از مرتضی در دستور کار شناسایی شد. مقتول در مغازه خودش در بازار کار می‌کرده و محل کشف جسد او هم دقیقاً در این‌جاست که مقتول به محل سکونتش برادرش قرار داشت. پس از مشخص شدن هویت مقتول مأموران به سراغ خانواده او رفتند. خانواده جواد در اظهاراتشان به کار آگاهان گفتند: «جواد می‌خواست برای دریافت طلبش به سراغ

مرگ در آتش سوزی چادر امدادی

اینا | جوان ۲۵ ساله کوهبناسی بر اثر آتش‌سوزی در چادر جان خود را از دست داد. سیدمحمد صابری، مدیر مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی کرمان درباره این حادثه گفت: «این آتش‌سوزی به دلیل استفاده از چراغ نفتی در داخل چادر و در حالی که این جوان خواب بوده، رخ داد و دچار سوختگی ۱۰۰ درصد شد. جسد این جوان ۲۵ ساله برای بررسی‌های بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شد.»

مرگ دردناک مهسا و دو برادرش

عمومی بچه‌ها در گفتگو با «شهروند» جزئیات این حادثه را روایت کرد
مهسا ۹ ساله در لحظات آخر برای نجات جان برادرانش، آنها را در آغوش گرفته بود



موتو کسید کرین جان داده بودند.
علت آتش سوزی چه بود؟

زن برادرم ساعت ۵ صبح برای نماز بیدار شده بود. هوا سرد بود، به همین دلیل بخاری برقی را روشن می‌کنم، اما انگار بخاری برقی اتصالی کرده بود. فرش را می‌سوزاند. آتش به میل‌ها سرایت می‌کند. همان لحظه زن برادرم بیدار می‌شود. بچه‌ها را هم از جایشان بلند می‌کند و در کنار اتاق پناه می‌گیرند، اما زن برادرم خود را به سمت نورگیر می‌رساند که از مردم کمک بخواهد، اما در بسته می‌خفت و دیگر نمی‌تواند به سمت بچه‌هایش برود. مهسا که بزرگتر از همه بود و برادرش را به اتاق کناری برده و خواسته آنها را نجات بدهد، اما گاز بچه‌ها را خفه کرده بود.

اورژانس نیامد؟
اورژانس که نیامد. بچه‌ها را با ماشین شخصی به مرکز درمانی بردند. وقتی معاینه شدند، پزشک در مانگه گفت که ۴۵ دقیقه‌ای است بچه‌ها به دلیل استنشاق گاز موتو کسید کرین مردند.

شما کی باخبر شدید؟
من خودم آن روز ایرانشهر بودم، چون همه اقوامان در آن زندگی می‌کنند. وقتی این خبر را شنیدم خودم را رساندم، اما کار از کار گذشته بود. پدر بچه‌ها هم دانشجوی رشته حسابداری در چابهار است. روز حادثه به دانشگاه رفته بود. زیر خانه برادرم هم یک ناوایی است که همیشه ساعت ۵ صبح شروع به کار می‌کند اما از بخت به ما آن روز ساعت ۱۰ صبح آمده بود. اگر ناوها در مغازه‌شان بودند و صدای زن برادرم را زودتر می‌شنیدند، حالا برادرزاده‌هایم زنده بودند.

حال برادر و زن برادر تان چطور است؟
در حال حاضر وضع روحی زن برادر و برادرم خوب نیست. چندین بار به دلیل افت فشار و وضع جسمانی‌شان در بیمارستان بستری شده‌اند. نمی‌توانند مرگ بچه‌هایشان را بساور کنند. محمد و همسرش ۱۰ سالگی بود با هم ازدواج کرده بودند که حاصل ازدواجشان مهسا ۹ ساله، عبدالحنا و رامتین بودند. از وقتی این حادثه

۳ خواهر و برادر در حادثه آتش‌سوزی خانه‌شان در شهرستان سر باز جان باختند

مرگ دردناک مهسا و دو برادرش

عمومی بچه‌ها در گفتگو با «شهروند» جزئیات این حادثه را روایت کرد
مهسا ۹ ساله در لحظات آخر برای نجات جان برادرانش، آنها را در آغوش گرفته بود



موتو کسید کرین جان داده بودند.
علت آتش سوزی چه بود؟

زن برادرم ساعت ۵ صبح برای نماز بیدار شده بود. هوا سرد بود، به همین دلیل بخاری برقی را روشن می‌کنم، اما انگار بخاری برقی اتصالی کرده بود. فرش را می‌سوزاند. آتش به میل‌ها سرایت می‌کند. همان لحظه زن برادرم بیدار می‌شود. بچه‌ها را هم از جایشان بلند می‌کند و در کنار اتاق پناه می‌گیرند، اما زن برادرم خود را به سمت نورگیر می‌رساند که از مردم کمک بخواهد، اما در بسته می‌خفت و دیگر نمی‌تواند به سمت بچه‌هایش برود. مهسا که بزرگتر از همه بود و برادرش را به اتاق کناری برده و خواسته آنها را نجات بدهد، اما گاز بچه‌ها را خفه کرده بود.

اورژانس نیامد؟
اورژانس که نیامد. بچه‌ها را با ماشین شخصی به مرکز درمانی بردند. وقتی معاینه شدند، پزشک در مانگه گفت که ۴۵ دقیقه‌ای است بچه‌ها به دلیل استنشاق گاز موتو کسید کرین مردند.

شما کی باخبر شدید؟
من خودم آن روز ایرانشهر بودم، چون همه اقوامان در آن زندگی می‌کنند. وقتی این خبر را شنیدم خودم را رساندم، اما کار از کار گذشته بود. پدر بچه‌ها هم دانشجوی رشته حسابداری در چابهار است. روز حادثه به دانشگاه رفته بود. زیر خانه برادرم هم یک ناوایی است که همیشه ساعت ۵ صبح شروع به کار می‌کند اما از بخت به ما آن روز ساعت ۱۰ صبح آمده بود. اگر ناوها در مغازه‌شان بودند و صدای زن برادرم را زودتر می‌شنیدند، حالا برادرزاده‌هایم زنده بودند.

حال برادر و زن برادر تان چطور است؟
در حال حاضر وضع روحی زن برادر و برادرم خوب نیست. چندین بار به دلیل افت فشار و وضع جسمانی‌شان در بیمارستان بستری شده‌اند. نمی‌توانند مرگ بچه‌هایشان را بساور کنند. محمد و همسرش ۱۰ سالگی بود با هم ازدواج کرده بودند که حاصل ازدواجشان مهسا ۹ ساله، عبدالحنا و رامتین بودند. از وقتی این حادثه

آزیر

قصص؛ سرانجام پدر اسیدپاش



باشگاه خبرنگاران | مردی که با اسیدپاشی متجر به مرگ همسر و سوزاندن صورت دو دختر کوچک خود شده بود، پس از ۱۳ سال به قصاص محکوم شد. رعنا و نازنین، ۲ خواهری هستند که به همراه مادر جوان خود، در اثر حادثه اسیدپاشی که اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۰، توسط پدرشان رقم خورده بود، دچار سوختگی شدید به‌ویژه در ناحیه صورت شده و زیبایی چهره خود را از دست داده‌اند. سیمیه مادر، رعنا و نازنین در اثر شدت جراحات، زیر عمل‌هایی که به گفته پزشکان باید روی بیکر این زن جوان انجام می‌شد، طاقت نیاورد و در سال ۹۴ در جریان یکی از عمل‌ها درگذشت. سیمیه به دلیل وجود مشکلاتی چون اعتیاد همسر، بیکاری و اذیت و آزارهای متعدد از سوی او در زندگی مشترک، بحث طلاق و جدایی را بسوی در میان می‌گارد و با مخالفت شدید او مواجه می‌شود. همسر سیمیه از خانه خارج شده و پس از گذشت ساعاتی، درست زمانی که سیمیه به همراه ۲ فرزند دختر خود در خانه خوابیده بودند، در اقدامی عجیب و غیر قابل باور، به همراه برادر خود یعنی عموسی بچه‌ها با یک گالن اسید به خانه بازی‌هایم می‌رود. همسر سیمیه در حالی که زن و ۲ دخترش در خواب بودند، گالن اسید را به روی آنها سرازیر کرد و از خانه متواری شد. چیخ و سر و صدای رعنا ۳ ساله و خواهر و مادر او همسایه‌ها را به خانه آنها کشانده بود. رعنا چندی پس از حادثه می‌گفت: «پس از آن که پدرم اسید را روی ما ریخت، احساس کردم تمام بدنم در آتش می‌سوزد و وقتی که به صورت آب می‌زدم تا از شدت سوزش آن کم شود و دست به سر و صورتم می‌کشیدم، موهایم را رانده‌تکه لمس می‌کردم.» وقتی همسایه‌ها به خانه سیمیه آمدند، با کمک یکدیگر مادر و دختران او را به بیمارستان بردند. نیچی از صورت رعنا که در آغوش مادر بوده، از اسید در امان مانده و نیمه دیگر صورتش اما شدت آسیب دیده و بینایی یکی از چشمان خود را از دست داده است. حکم دادگاه کیفری شعبه یک شهرستان بهم، روز هفدهم دی‌ماه صادر شد که به موجب این حکم، پدر رعنا بعد از ۱۳ سال انتظار محکوم به قصاص شد و اجرای آن مستلزم پرداخت نصف دیه یعنی پرداخت ۱۰۰ میلیون تومان، از سوی ولی دم است. از آن‌جا که پدر رعنا علاوه بر قصاص محکوم به پرداخت ۱۵۰ میلیون تومان نیز بابت دیه رعنا شده است، می‌توان ۱۰۰ میلیون تومان اول را تهاتر کرد و ولی دم نیز نیست مبلغی پرداخت کند و احتمال دارد که پرونده به دیوان عالی کشور جهت رسیدگی به فرجام‌خواهی متهم ارسال شود.

خودکشی یکی از بازداشت‌شدگان در کلانتری ۱۲ اراک

میزان | یک‌متمم در کلانتری ۱۲ اراک خودکشی کرد. دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مرکزی ضمن تأیید خودکشی یکی از بازداشت‌شدگان در اراک گفت: «با وجود این‌که اشرار خودزنی بر روی جسد این فرد مرز است، فیلمی از لحظه خودکشی وی نیز موجود است؛ بنابراین با توجه به شواهد و قرائن موجود مرگ این فرد بر اثر خودکشی در کلانتری بوده است.» قلمی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مرکزی با اشاره به خودکشی یکی از متمم‌ها در بازداشتگاه کلانتری ۱۲ اراک گفت: «این فرد چندین سابقه کیفری و سابقه حمل مواد مخدر و خودزنی را در پرونده خود داشته است. آثار خودزنی بر روی جسد این فرد محرز است؛ از طرفی فیلمی از لحظه خودکشی وی نیز موجود است، بنابراین با توجه به شواهد و قرائن موجود مرگ این فرد بر اثر خودکشی در کلانتری تأیید شده است. بلافاصله پس از گزارش موضوع، بازپرس سر صحنه حاضر شده و ادله را بررسی کرده است. در عین حال پرونده نیز برای پزشکی قانونی ارسال شده و در حال انجام تحقیقات است.»

نجات مرد میانسال در ارتفاعات کوه بی‌بی‌شهربانو

شهروند | مرد میانسالی که در ارتفاعات کوه بی‌بی‌شهربانو گرفتار شده بود، با کمک آتش‌نشانان نجات پیدا کرد. حادثه ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه رخ داد و پس از تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵ اطلاع‌رسانی این حادثه، ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانی تهران بلافاصله نیروهای آتش‌نشانی ایستگاه ۸۶ را به همراه گروه امداد نجات ۱۷ به شهر ری، جاده امین‌آباد، ارتفاعات کوه بی‌بی‌شهربانو روانه کرد. به گفته جعفر شکرانه مهربانی، رئیس ایستگاه ۸۶ آتش‌نشانی، یک مرد حدوداً ۶۰ ساله حین بالا رفتن از کوه بر اثر ناتوانی در میانه راه از ادامه حرکت باز ایستاد و در ارتفاعات کوه بی‌بی‌شهربانو گرفتار شد. دیگر نتوانست به پایین کوه باز گردد. وی در توضیح ماجرا گفت: «آتش‌نشانان به سرعت روانه محل حادثه شدند و با تلاش فراوان و با استفاده از تجهیزات مخصوص نجات، خود را به مرد میانسال رساندند و سپس وی را به پایین کوه انتقال دادند. آتش‌نشانان در پایان عملیات خود این شخص را برای انجام معاینات پزشکی تحویل امدادگران اورژانس دادند.»

مرد جوان به خاطر بدهی یک میلیون تومانی دست به جنایت زده بود

اعتراف به قتل طلبکار پس از ۶۰ روز



یکی از دوستانش به نام مرتضی برود. پلیس در ادامه تحقیقات متوجه شد که مرتضی هم ساکن نازی‌آباد است. مأموران با شناسایی محل سکونت مرتضی متوجه شدند که محل کشف جسد در نزدیکی خانه مرتضی بوده است. در ادامه رسیدگی به این پرونده، تحقیقات پلیسی از مرتضی در دستور کار کارآگاهان اداره دهم قرار گرفت؛ اما مرتضی در تحقیقات اولیه منکر بدهکاری به مقتول و حتی ملاقات با وی در شب جنایت شد. از او قتل جواد اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد و هر گونه دخالت در قتل او را منکر بود. در همین حال مأموران مدارک دیگری مبنی بر قرار شنبانه مرتضی با جواد به دست آوردند. مرتضی وقتی در برابر این مدارک قرار گرفت، اعتراف کرد

هفته جاری به‌صراحت گفت که جواد را به ضرب گلوله به قتل رسانده است: «چندینی پیش من ورشکست شدم. اوضاع مالی‌ام حسابی به هم ریخت، هیچ کاری نمی‌توانستم انجام دهم. در خرج زندگی مانده بودم، می‌خواستم کاری انجام دهم، یک ماشین داشتم، تنها راهم مسافرکشی بود، اما ماشین‌هایم نیاز به تعمیرات اساسی داشت. به همین دلیل سراغ جواد رفتم و یک میلیون تومان از او قرض کردم. این‌که یک تصادف شدید همه چیز را به هم ریخت. ماشینم از بار داشت مرتضی کرد. ما ماشینم را به طرف دیگر باید پول جواد را هم می‌دادم، او طلبش را می‌خواست و من هم پولی نداشتم. چند بار بیکر پولش شد، هر بار بهانه‌ای می‌آورد. من اصل و سود پولش را از من می‌خواست. جواد به خیلی‌ها پول قرض می‌داد و با سود زیاد از آنها پی می‌گرفت. تقریباً همه محل او را به نرول خوری می‌شناختند؛ اما من اصل پولش را هم نمی‌توانستم جور کنم. او هم هر بار شرایط را برای من سخت‌تر می‌کرد، او برای بازپس‌گیری پولش کار را به خانواده من کشانده بود. دیگر تحمل این شرایط را نداشتم. شب حادثه وقتی برای طلبش به در خانه آمد، با او صحبت کردم اما فایده‌ای نداشتم. من هم با اسلحه‌ای که با خودم به همراه داشتم به او شلیک کردم. آن شب وقتی جواد به در خانه ما رسید، داخل ماشین نشستیم و از او خواستیم تا حرکت نکند، هنوز از محل دور نشده بودیم که من با اسلحه به او شلیک کردم. بعد هم به سرعت از ماشینم او پیاده شدم. اسلحه را داخل سطل آشغال انداختم و به سرعت به خانه برگشتم. به اعتراف صریح متهم به ارتکاب جنایت، قرار بازداشت موقت از سوی بازپرس پرونده صادر شد و متهم جهت انجام تحقیقات تکمیلی و بررسی صحت اظهاراتش در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.